

مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مطالعه ارزش‌های فرهنگی)

منصور حیدری^۱

سید محمدجواد قربی*^۲

چکیده

جمهوری اسلامی ایران دارای منابع متعدد قدرت نرم است که از جمله آن‌ها، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است. برای ارتقای توانمندی ایران باید این منابع را شناسایی و برای تبدیل آن‌ها به قدرت نرم همت گمارد. یکی از بسترهای شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم جامعه ایرانی، اسناد فرادستی و سیاست‌های کلی نظام است که ارزش‌ها و منابع قدرت آفرین برای ایران در آن‌ها نمود یافته‌اند. به همین منظور، مقاله حاضر «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» را برای بررسی برگزیده است و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و مطالعات کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ می‌دهد که؛ منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند هویت ملی ایرانیان کدام‌اند و ارزش‌های ملی و دینی چگونه بر ارتقای قدرت نرم افزاری ایران تأثیر می‌گذارند؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند

^۱. استادیار معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

که ارزش‌های ملی (هویت ملی، زبان فارسی، پیشینه تمدنی، علم، مفاخر ملی و میراث فرهنگی) و ارزش‌های دینی (سنت‌های حسنه، مساجد، مراسم آئینی، اخلاق‌گرایی، ایدئولوژی اسلامی، توحید و ایمان) منابع قدرت نرم ایران می‌باشند که با ایجاد جذابیت، همبستگی و پیوند اجتماعی، نزدیکی ملت‌ها به آرمان‌های جامعه ایرانی، اشاعه الگو و شاخص‌ها، تولید اعتبار، استحکام ساختار قدرت و... قدرت نرم ایران را ارتقا می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ارزش‌های فرهنگی، میراث فرهنگی، اخلاق، ایدئولوژی اسلامی.

مقدمه

با توجه به اهمیت قدرت نرم در روابط بین‌الملل و تأثیر کاربرد قدرت نرم بر پرستیژ بین‌المللی نهادهای سیاسی، پرداختن به موضوع قدرت نرم یکی از مباحث مهم در سیاست خارجی، روابط بین‌الملل و حتی مطالعات دانشگاهی است (نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱) و جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد مؤلفه‌های تولیدکننده قدرت نرم خویش را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد و با سیاست‌گذاری‌های مناسب، نفوذ و اقتدار بین‌المللی خویش را بیفزاید (قربانی، ۱۳۹۴- الف: ۸۵). به همین منظور، اسناد فرادستی و سیاست‌های کلی نظام، ظرفیت‌های مناسبی هستند که می‌توان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در آن‌ها مورد شناسایی قرار داد. در این میان، سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان یکی از سندهای فرهنگی ایران محسوب می‌شود که در جلسه ۴۸۷ شورای فرهنگ عمومی کشور مورخ ۲۱ اسفند ماه ۸۶ به تصویب رسیده است. این سند دارای یک مقدمه و هفت بند است که در هر بند به یک مؤلفه مهم فرهنگی که ارتباط مستقیمی به قدرت نرم جامعه ایرانی دارد، اشاره نموده است. مؤلفه‌هایی نظیر ولایت‌مداری، پیشینه تاریخی، فرهنگ انتظار و مهدویت، آموزه‌ها و معارف اسلامی، معنویت و توحید، و سرزمین فرهنگی متحد از رئوس کلی این سند فرهنگی می‌باشند که توجه به آن‌ها می‌تواند جایگاه و قدرت فرهنگی ایران را بیفزاید و در سطح داخلی، استحکام ساختار درونی قدرت ملی را به ارمغان بیاورد. با توجه به این اهمیت، این مقاله تلاش می‌نماید منابع فرهنگی قدرت نرم ایران را در این سند هویتی از دو منظر ارزش‌های ملی و دینی مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد.

۱. رویکرد مفهومی و نظری

۱.۱ قدرت نرم

قدرت سخت ناظر به زور و اجبار است ولی چهره دیگر قدرت، اشاره به توانایی رسیدن به اهداف از طریق ایجاد جاذبه برای دیگر بازیگران است (Nye, 2011: 21) در تعریفی از قدرت نرم آمده است که

قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی است (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۱۱) که این امر به گونه‌ای ناملموس و از طریق جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود (Nye, 2002: 6) از این رو، قدرت نرم بر مؤلفه‌هایی نظیر اقتناع، رضایت و اعتماد استوار است (قریبی، ۱۳۹۴: ب-۲-۱۹). این مؤلفه‌ها حاکی از این هستند که رهیافت نوین قدرت دارای ماهیتی فرهنگی و اجتماعی است و در شبکه روابط اجتماعی معنا می‌یابد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲) و همان‌گونه که کاستلز مدعی شده است، جوامع مدرن چنان تغییر ماهیت داده‌اند که شبکه‌ای شده‌اند و لذا نمی‌توان در ساخت شبکه‌ای به جز از قدرت شبکه‌ای که مؤلفه‌های آن اجتماعی هستند، بهره جست و سخن به میان آورد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۲). با این اوصاف، قدرت نرم بر پایه تبدیل تمایلات به برون دادها شکل می‌گیرد و موضوع آن به جای اجبار، جذابیت است. این شیوه قدرت بر پایه اقتناع کردن دیگران برای پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند (پور سعید، ۱۳۸۹: ۳۶). الکساندر و وینگ اعتقاد دارد که زیبایی، شکوه و خیرخواهی سه وجه از قدرت هستند که نرمی قدرت از آن‌ها منتج می‌شود که در این میان، زیبایی نیز نقش رابط بازیگران صحنه با آرمان‌ها، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و دیدگاه‌های مخاطب را برعهده دارد. شکوه نقش روابط عامل با قدرت نرم را بازی می‌کند که با تحسین همراه است و در مرتبه بعدی، خیرخواهی بر نوع دوستی متقابل تأکید دارد (ووینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۳۶)؛ و این مؤلفه‌ها و نحوه کار بست منابع قدرت نرم نشان می‌دهند که قدرت نرم مترصد تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها است (نون، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۱). حلقه واسطی که میان صاحبان قدرت نرم و مردم وجود داشته و به سلطه آن بر اذهان و افکار کمک می‌نماید، «اعتماد» است و هرگونه بی‌اعتمادی متقابل، بستر ساز فرسایش قدرت نرم خواهد بود (نای و دیگران، ۱۳۸۹)؛ زیرا اگر قدرت نرم را زمانی موفق بدانیم که توانایی ایجاد پیروی و اطاعت در مخاطب را داشته باشد (قریبی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۲)، لاجرم داشتن اعتماد نیز عاملی مهم در اتخاذ تصمیمات همسو با کارگزاران قدرت نرم است.

۲.۱ قدرت نرم و فرهنگ

منابع قدرت نرم سرمایه‌هایی هستند که این جذابیت را ایجاد می‌کنند. قدرت نرم ابزار رایج متفاوتی، نه زور و نه پول، را برای تولید همکاری مورد استفاده قرار می‌دهد. قدرت نرم از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از وظیفه همکاری برای رسیدن به همه این موارد سود می‌جوید (Nye, 2004: 6). به همین دلیل است که نای تأکید می‌کند تبدیل منابع به قدرت به منظور بدست آوردن نتایج دلخواه، نیازمند طراحی خوب راهبردی و رهبری با مهارت است (نای، ۱۳۸۹: ۴۰).

فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعمال است که به یک جامعه معنا می‌بخشد و وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل

دهد، احتمال این که نتایج مطلوب (قدرت نرم) حاصل شود، افزایش می‌یابد (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۹) در نقشه مهندسی فرهنگی در باب فرهنگ آمده است؛ نظام واره باورها و عقاید اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری با ثبات و ریشه‌دار و نمادها و مصنوعات مردم مسلمان ایران (عموماً در مرزهای جغرافیایی یک کشور است) که طی قرن‌ها و هزاره‌ها ایجاد و تثبیت شده و به یک ملت هویت می‌بخشد (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۶) فرهنگ راهبردی ایران به مثابه محیطی که احتمال دارد به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم بر ترجیح یا انتخاب یک سیاست یا صورت‌بندی راهبرد یک جامعه اثرگذار باشد، می‌تواند در انتخاب نوع رفتار در طیفی از اقدامات در چارچوب رفتار راهبردی نقش تعیین کننده‌ای ایفا نماید (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۱۹). در عین حال، در جامعه اسلامی نیز فرهنگ منشأ تمامی موفقیت‌ها و شکست‌ها دانسته می‌شود و به دلیل ارتباط فرهنگ با ارزش‌های بنیادی، ترجیحات اساسی و رفتار اجتماعی، با تولید قدرت نرم ارتباط نزدیک و قوی‌تری دارد (قربی و جعفری، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۶). برخی از مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران عبارت‌اند از: ایمان به باورها و ارزش‌های اسلام، علم و تولید علم، معنویت، مراجع و علمای دین، بصیرت، فرهنگ استقامت و شهادت، عدالت‌خواهی و غیره. این‌ها ارزش‌هایی هستند که انقلاب اسلامی آن‌ها را مطرح و بازتولید کرده است و از آنجا که با فطرت انسان‌ها سازگار بوده، برای تمام مردم جهان جذابیت دارد. البته هر یک از این عوامل ممکن است در موقعیت‌های مختلف دارای اهمیت‌های متفاوتی باشند، به عبارت دیگر اهمیت هر یک از مؤلفه‌های ایجاد و تثبیت کننده در تقابل با شرایط مختلف، متفاوت خواهد بود و به عبارتی، مؤلفه‌های قدرت نرم همواره ثابت نبوده و همیشه با تحول بسترها و شرایط، آن‌ها نیز تغییر می‌کنند (قربی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۴) در این جا، تأثیر فرهنگ بر قدرت نرم در دو بعد ارزش‌های ملی و دینی بررسی می‌شود.

۲. روش پژوهش

این پژوهش سعی دارد به بررسی منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی بپردازد و مرجع اصلی بررسی این منابع و جامعه آماری نیز «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» است. برای استخراج داده‌ها از این سند ملی، از روش تحلیل محتوا برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن مزبور بهره گرفته می‌شود و با مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی، تفسیر مناسب در خصوص منابع قدرت نرم ایران در این سند ارائه می‌شود. واحد تحلیل محتوا در این پژوهش، «کلمه» است که با کدگذاری‌ها مفهومی توسط محقق، تشریح و تبیین منابع قدرت نرم نیز مطابق با واقع انجام می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش؛ منابع فرهنگی قدرت نرم در سند مؤلفه‌های هویت

ملی ایرانیان

منابع فرهنگی قدرت نرم در سند مزبور نیز در دو حوزه فرهنگ و ارزش‌های ملی و دینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به شرح زیر می‌باشند:

۱.۳ فرهنگ و ارزش‌های ملی

منابع فرهنگ ملی تولید کننده قدرت نرم در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان به شرح زیر است:

الف. هویت ملی

در ابتدای سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان بیان شده است؛ «هویت تلقی از خود یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر دیگری و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز «ما» از «دیگران» است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی‌هایی است که «دیگران» فاقد و «ما» واجد آن هستیم. در تکوین و شناخت هویت، که در مسیر زمان قوام می‌گیرد، تاریخ نقشی کلیدی دارد و هویت همچون تکه سنگی که بر بستر رود می‌غلتد، در تاریخ شکل می‌یابد. اساساً هویت ملی «ما» رابط بین ظرف و مظلوفی است که هر دو مکمل و معرف یکدیگرند. ظرف به مظلوف صورت می‌دهد و مظلوف به ظرف اصالت و دوام و اثر می‌بخشد. هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هر یک بدون دیگری امکان تعیین نمی‌یابد. البته هویت ملی در نسبتی وثیق با ملت‌های هم‌جوار و نیز هویت‌های فراملی قوام یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه و نیز کشورهای جهان اسلام فرصت‌های هویتی مغتنمی برای اعتلا و همگرایی فرهنگی فراهم آورده است» (سند هویتی، ۱۳۸۶: مقدمه). از این رو، رابطه میان هویت و قدرت نرم در جامعه ایرانی را می‌توان براساس تأثیرگذاری متقابل مورد بررسی قرار داد (شعبانی، ۱۳۹۲: ۹۵) و با توجه به این ارتباط مهم است که قدرت‌های غربی در چارچوب اعمال قدرت نرم سعی دارند تا از طریق تریق فرهنگ و سبک زندگی غربی، اختلال در ارزش‌های سیاسی مقوم وحدت ملی و انزوای ایران در عرصه بین‌الملل از شکل‌گیری، تثبیت و تحکیم هویت ایرانی- اسلامی ملت ایران جلوگیری کنند (درویشی و همتی، ۱۳۹۲: ۶۱). بنابراین هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی در جهان اسلام است. این امر در ارتباط با مؤلفه‌هایی مانند انسجام ایدئولوژیک و راهبردی کشورها نقش تأثیرگذار و تعیین کننده‌ای دارد. از سوی دیگر، در بیداری اسلامی و جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه، هویت گرایی بخش اجتناب ناپذیر چنین تحولاتی محسوب می‌شود. این امر با مؤلفه‌های اعتقادی و تمدنی شهروندان خاورمیانه پیوند یافته است و این موضوع، همراه با این واقعیت است که هویت گرایی اسلامی، واقعیت جدید سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود و کشور ایران می‌تواند از ظرفیت‌های این پتانسیل برای الهام بخشی و اشاعه ارزش‌هایش در جهان اسلام بهره جوید (قربی، ۱۳۹۴: ۱۰۳) برخی از مصادیق هویتی که در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان ذکر شده و ارتقا بخش قدرت نرم ایران است، عبارت‌اند از؛ دفاع از سرزمین، حمایت از حکومت صالحان، انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور

ب. زبان و خط فارسی

زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی ابزاری ارتباطی است که نشان دهنده افکار، عقاید و ارزش‌های آن جامعه است. از این رو، زبان و خط یکی از حاملان فرهنگ است که می‌تواند با نفوذ در فرهنگی دیگر، اثراتی به همراه داشته باشد (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۷). «زبان به عنوان یک عنصر اصلی تمایز بخش، از مؤلفه‌های هویت ملی است. زبان فارسی دومین زبان اسلام، حامل فرهنگ و معارف اسلامی ایرانیان در طول تاریخ و زمینه سازی امین برای تعالیم مقدس اسلام و تشیع بوده و هست. خدمات متقابل زبان پارسی و عربی دوره اسلامی از اجزای این مؤلفه هویتی ماست چنانکه تا پیش از ورود اسلام کمتر سراغ از زبان فارسی واحد، شفاف و یکپارچه‌ای داریم و از سوی دیگر اعتلا و گسترش ظرفیت درونی زبان عربی که به واسطه تدوین و تنظیم اصول و قواعد و دستور زبان عربی میسر گشت، مشتاقانه توسط ایرانیان فارسی زبان تحقق یافت. زبان پارسی برخلاف آنچه گاهی گفته می‌شود، زبان یک قوم نیست؛ این زبان به منطقه‌ای از مناطق ایران تعلق ندارد بلکه زبانی است که در خراسان آغاز عهد اسلامی قوام یافته و زبان ایران و شرق عالم اسلام شده است. زبان پارسی در مقابل زبان عربی و هیچ زبان دیگری قرار ندارد و تاریخ و فرهنگی که با این زبان قوام یافته است به همه ایرانیان و اقوام ایرانی تعلق دارد. این زبان، زبان فردوسی، ابن سینا و سهروردی، صائب تبریزی، سعدی و حافظ شیرازی و مولانای بلخی و همچنین شمس تبریزی و نظامی گنجوی و خاقانی شروانی، ناصر خسرو قبادیانی و غیره است. در دوره‌های مختلف مهاجمین فرهنگی به ایران، این زبان را مورد چشمداشت قرار دادند، هر چند بر ریشه‌های متعدد درخت تنومند فارسی گزند وارد نساخته‌اند. هر چه این زبان پویاتر و با نشاط‌تر باشد، استقلال و نشاط ما بیشتر است و اگر ضعف و فتور به آن راه یابد، پیوستگی ملی را سست می‌کند که به این جهت باید در پاسداری از زبان و زنده نگاه داشتنش اهتمام کرد. خط فارسی نیز بستر و حافظ امین و رمز کمال زبان فارسی است و از همین جهت، همراه همیشگی این مؤلفه هویتی ایرانیان است» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۵) زبان فارسی در برخی از کشورهای منطقه زمینه ساز پیوند مستحکم معنوی آنها با ایران شده است و ضمن ایجاد همگرایی و وابستگی‌های متقابل، ترویج ایده‌ها و ارزش‌های ایرانی را در سایر کشورهای فارسی زبان فراهم آورده است. در بعد داخلی براساس آنچه در سند مزبور ذکر شده است، زبان و خط فارسی باعث پویایی، وحدت و استقلال ملی می‌شود.

با توجه به این اهمیت باید مراقب «زبان به عنوان مسیری استراتژیک در نفوذ فرهنگی» بود (مرکز مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴: ۳۴)؛ زیرا می‌تواند فرسایش هویت ملی و تضعیف قدرت نرم را به همراه داشته

باشد. اگر زبان فارسی مورد توجه قرار نگیرد و زبان‌های خارجی در ایران نفوذ و رخنه نمایند، به همراه زبان نیز هویت بیگانه، سبک زندگی غیربومی، افکار لیبرالی، رفتار و کنش‌های منطبق با ارزش‌های غربی، ایدولوژی سیاسی رقیبان، نحوه تفکر و... وارد کشور می‌شود و این‌ها تضعیف کننده منابع فرهنگی قدرت نرم ایران می‌شوند و در نقطه مقابل، حراست از زبان فارسی می‌تواند ضمن ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی و فرهنگی، بسترهای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و فرهنگی ایران در کشورهای هم‌زبان را فراهم می‌آورد.

پ. پیشینه تاریخی و تمدنی

ایران را باید یک کشور تاریخی دانست و حوادث تلخ و شیرین در این تمدن سه هزار ساله نیز حافظه تاریخی مردم ایران را شکل داده است و در این میان، افتخارهای ایرانیان در زمینه سابقه فرهنگی و آثار تمدنی بسیار حائز اهمیت است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰) و حوزه تمدنی وسیع ایران که از چین و کشمیر و فلات پامیر تا ترکیه امتداد دارد، از مؤلفه‌های هویت ایرانی و نیز از عناصر قدرت نرم ایران است. تاریخ شکوفا، تمدن عظیم و فرهنگ غنی ایرانی، موجب شده تا جهانیان به دیده تحسین و احترام به ایرانیان بنگرند. حتی زمانی که مخالفان جمهوری اسلامی، انتقادهای خود را ابراز می‌دارند، در ابتدا اشاره‌ای هرچند کوتاه به تاریخ و تمدن پُربار این سرزمین دارند تا انتقادهای خود را منصفانه و غیرمغرضانه جلوه دهند (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). پس این شأن و منزلت اجتماعی و سیاسی ایران در عرصه تاریخ و تمدن را می‌توان به عنوان عنصر مهم قدرت آفرین دانست (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۹۳) و همان‌گونه که در بند ششم سند هویت ملی ایرانیان در خصوص تمدن و تاریخ ایران آمده است؛ «حافظه تاریخی هر ملت راهنمای آینده اوست. این حافظه تاریخی در مسیر عبور از گذشته تا به حال، فراز و فرودهای بسیاری را تجربه می‌کند. بهره‌گیری از نقاط قوت گذشته و اصلاح ضعف‌های آن، مسیر حال و آینده را روشن‌تر خواهد ساخت. ملتی که از گذشته خود پند گیرد؛ در دنیای کنونی می‌تواند به شیوه‌ای صحیح زندگی کند و به آینده‌ای بهتر امیدوار باشد. تاریخ و تمدن ایران از دوره باستان تا پیش از اسلام و در دوره اسلامی، آموزگاری آمین برای پذیرش رسالت این ملت در برقراری حکومت عدل جهانی بوده است. ایران در طول تاریخ مهد شکوفایی و رونق فرهنگی و علمی و طبعاً تمدن‌سازی گردیده است» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۶). به هر حال، پیشینه تمدنی و تاریخی عاملی برای جذابیت بوده و می‌توان از عناصر تمدنی برای بازتولید مؤلفه‌های قدرت نرم بهره جست. در عین حال با اشتراک گذاری مؤلفه‌های تمدنی و تاریخی ایران با سایر ملت‌ها، می‌توان بسترهای اشاعه فرهنگ و ارزش‌های مندرج در تاریخ ایران را فراهم آورد و نوعی وابستگی و همدلی با آموزه‌های تاریخی ایرانیان در عرصه جهانی را فراهم آورد.

ت. علم و دانش

علم و دانش، فناوری و نظام آموزش عالی از مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم کشورها به شمار می‌رود (محسنی، ۱۳۹۴: ۹۷) و نظام دانش به مثابه یکی از فناوری‌های قدرت، عاملی برای تقویت جایگاه و موقعیت کشورها می‌باشد؛ به گونه‌ای که به میزان توانمندی‌های علمی، سهم بیشتری از قدرت نصیب کشور صاحب علم و فناوری می‌گردد. در این میان، آموزش عالی به عنوان مهم‌ترین عامل فرهنگ و تمدن ساز کشور یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد و می‌تواند در افزایش کارآمدی قدرت نرم انقلاب اسلامی، در محیط جهانی و منطقه‌ای ایفای نقش نماید. آموزش عالی با تربیت نیروی انسانی متعهد (قدرت نرم مبتنی بر اعتقاد و ایمان) و متخصص (قدرت نرم مبتنی بر نیروی انسانی) و همچنین دستیابی به نظریه‌های نوین علمی و کسب مقام راهبری علمی (قدرت نرم مبتنی بر پیشگامی) می‌تواند باعث افزایش قدرت نرم ایران گردد و در دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی در آینده کمک نماید (رضایپور، ۱۳۹۴: ۱). در بند اول سند مؤلفه‌های هویت ایرانیان بر علم و دانش به عنوان یکی از ارکان فرهنگ ایرانی تأکید شده است و این گونه آمده است که «ارکان فرهنگ ایرانیان همچون علم... و اصحاب حوزه‌های علمی و فرهنگی، آینه‌های روشن و صافی حقایق اسلامند» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۱). در بند ششم به مجموعه‌ای از علوم و معارف ایرانیان در گذر تاریخی اشاره می‌کند که ارتباط مستقیمی با تمدن سازی داشته است؛ «ایران در طول تاریخ مهد شکوفایی و رونق فرهنگی و علمی و طبعاً تمدن سازی گردیده است، چه زمان تبادل فرهنگی با هند و یونان و چین و چه آن زمان که موجد شکوه وصف ناشدنی تمدن اسلامی و تولید و تألیف علوم قرآنی، فقه، فلسفه، کلام، نجوم، هندسه، ریاضیات، طب، شیمی، معماری و صنایع گوناگون و... در میان مسلمانان و سایر جهانیان گردیده است» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۶). این علم و دانش باعث گردیده ایرانیان به جایگاه رفیعی در عرصه‌های جهانی برسند و ضمن تمدن سازی مطلوب و مطابق ارزش‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی، در نزد سایر ملت‌ها از ارزش فراوانی برخوردار شوند تا جایی که خیلی از کشورهای همسایه برای تحصیل علوم مختلف به ایران مهاجرت می‌نمایند. به هر روی، توانمندی علمی از طریق خودکفایی علمی، استقلال در تولید نظریه‌های علمی، برطرف ساختن نیازهای جامعه، بومی سازی دانش‌های بشری و ارتقای کارآمدی ایده‌های جذاب، تربیت نیروهای انسانی ماهر در داخل کشور، پاسخگویی به دغدغه‌های نظام سیاسی در حوزه‌های مختلف، کاهش وابستگی به قدرت‌های بزرگ و... می‌تواند قدرت نرم جامعه ایرانی را بیفزاید.

ث. اسطوره‌ها، مشاهیر و مفاخر ملی

اسطوره‌ها و مفاخر ملی جزو جاذبه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند که توانایی ایجاد قدرت نرم را دارند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۰۶-۳۰۳) این اسطوره‌ها و مفاخر ملی می‌توانند مجموعه باورهایی که، انتقال دهنده و بیانگر عناصر، ساختارها، پیوندها و توازن‌هایی باشند که بدون آن جامعه از هم می‌پاشد. مفاخر ملی به عنوان جزئی از یک نظام فرهنگی، تأثیری مستقیم بر رفتار سیاسی انسان‌ها دارند؛ به عبارتی، به طور

ناخودآگاه بر رفتار فردی و جمعی اثر می‌گذارند و از محکم‌ترین رشته‌هایی هستند که تداوم فرهنگی جامعه را تضمین و پایه محکمی برای هویت فرهنگی یک قوم یا جامعه به وجود می‌آورند. در عین حال، مفاخر و اسطوره‌های ملی و دینی جزئی از ماده‌های همبستگی اجتماعی هستند و به مردمان عزت و هویت می‌بخشند و بسیج مردمی را تسهیل می‌نمایند (عسگری، ۱۳۹۰: ۲۱۲) سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان نیز به مفاخر و مشاهیر ملی و اسطوره‌های دینی زیادی اشاره کرده است که هر کدام قابلیت الگوگیری و شاخص‌سازی برای جامعه ایرانی هستند و ترویج عملکرد، سیره و آموزه‌های تربیتی آن‌ها می‌تواند باز تولید‌کننده قدرت نرم باشد. به عنوان مثال در این سند به «خاندان وحی و حضرت خاتم الانبیا (ص)» (بند ۲)، «ائمه معصوم (ع)» (بند ۲)، «امام خمینی (ره)» (بند ۳)، «فردوسی، ابن سینا، سهروردی، صائب تبریزی، سعدی، حافظ شیرازی، مولانای بلخی، شمس تبریزی، نظامی گنجوی، خاقانی شروانی و ناصر خسرو قبادیانی» (بند ۵) اشاره شده است و تأکید شده که این مشاهیر و مفاخر عامل همبستگی ملی هستند و در ضمن، الگوهایی برای اشاعه در جامعه می‌باشند. بنابراین، جامعه ایرانی در سطح بین الملل دارای الگوهای فرهنگی بی شماری برای معرفی به جهانیان است که نماد جامعه ایرانی هستند و عملکرد آن‌ها می‌تواند پشتوانه محکمی برای قدرت ملی ایران باشد و نزدیکی ملت‌های جهان به این الگوهای ارائه شده توسط ایران، می‌تواند الهام بخش جامعه فرهنگی ایران را برای همه جهانیان باشد.

ج. میراث فرهنگی و هنری

در بند اول این سند هویتی آمده است «ارکان فرهنگ ایرانیان همچون علم، عرفان، شعر و مظاهر آن‌ها، خصوصاً در معماری و دیگر میراث فرهنگی و هنری، نماد و نشانه تعالی روح پرستش توحیدی این ملت در طول تاریخ است. شاعران، هنرمندان، فیلسوفان و ارباب معرفت و اصحاب حوزه‌های علمی و فرهنگی، آینه‌های روشن و صافی حقایق اسلامند» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۱). علاقه به میراث فرهنگی یک کشور می‌تواند عامل جذابیت آن کشور برای مخاطبان هدف باشد و باید جلوی تخریب میراث فرهنگی و هنری را گرفت تا یکی از مؤلفه‌های تولیدکننده قدرت نرم ایران فرسایش نیابد. به همین دلیل است که «باید در بسیاری از مظاهر تمدن غربی که در قالب ذائقه‌ها، مدها و رسوم اجتماعی و کتاب‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی ارائه می‌شود، دقت و حساسیت وجود داشته باشد. همانند فرانسوی‌ها که قوانین حمایتی برای دفاع از میراث فرهنگی خود در برابر این پدیده‌ها را فراهم ساخته‌اند» (صبوری، ۱۳۸۷: ۶-۵). به هر روی، میراث فرهنگ ایرانی، مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که به رغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک کرده است. شناخت میراث فرهنگی، هنری و تاریخی گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد و دستاورد این عزت ملی آن است که از گسیختگی فرهنگی ممانعت کرده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد (کاوسی، ۱۳۹۴: ۹).

بنابراین، اگر نظام فرهنگی ایران قادر به تأمین نیازهای انسانی نباشد، انسان‌ها در پی ابداع عناصر فرهنگی جدید یا پذیرفتن فرهنگ‌های دیگر برمی‌آیند تا نیازهای اساسی خود را تأمین نمایند و این فرآیند منجر به دگرگونی فرهنگی خواهد شد و در نهایت، از قدرت نرم فرهنگی کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ ملی یک جامعه برای اینکه بتواند حیات و بقا داشته باشد و در مقابل سایر فرهنگ‌ها قد برافرازد و پایداری کند، باید توانایی آن را داشته باشد که احتیاجات معنوی را از میراث فرهنگی خویش، طبق شرایط روز برآورد. در غیر این صورت، مردم کشور برای رفع نیازمندی‌های معنوی، به فرهنگ‌های دیگر روی خواهند آورد و به تدریج، فرهنگ ملی ضعیف می‌شود. در این راستا، هر مقدار میراث فرهنگی و تاریخی در دگرگونی‌های محیطی و اجتماعی سازگارتر باشد، بر میزان قدرت فرهنگی آن افزود می‌شود. در صورت عدم سازگاری میراث ملی با تغییرات محیطی گوناگون، تدریجاً نظام فرهنگی کارایی خود را از دست می‌دهد و در نهایت، از میزان قدرت آن کاسته می‌شود (فقیه ایمانی، ۱۳۹۲: ۳-۱). در نهایت این که، جامعه ایرانی برای حراست از قدرت معنوی و فرهنگی خود نیاز به تقویت و پاسداری از میراث ملی (تاریخی، هنری، فرهنگی و...) دارد و باید با توجه به نیازهای جدید جامعه و تحولات جهانی به بازتولید میراث‌ها بپردازد و در این بین باید از رسانه‌های گروهی و نظام تربیتی کشور بهره بگیرد.

۲.۳ فرهنگ و ارزش‌های دینی

الف. سنت‌های حسنه و نیکو

پیامبر اکرم (ص) با استفاده از قدرت نرم و معنوی خود مبنی بر سنت‌های حسنه که شامل حسن خلق، اخلاق و رفتار نیکو، تدبیر، عطوفت و مهربانی، صلابت و قاطعیت و غیره بوده است و بوسیله تأسیس نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، توانست اسلام را در سرتاسر دنیا گسترش دهد و قلوب انسان‌ها را در مدت زمان اندکی جذب کند (الماسی، ۱۳۹۳). بند دوم سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان بر این موضوع تأکید دارد و ذکر شده که «حقیقت اسلام که گوهر مشترک ادیان ابراهیمی است، همچنین در قالب ابواب متعددی از اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قله‌های رفیعی از انسانیت و کرامت را به تصویر می‌کشاند که همه ایرانیان فارغ از قوم و آیین، بدان‌ها متصف و متعهدند» (سند هویت، ۱۳۸۶: بند ۲). احترام به کار و فرهنگ، یاری متقابل (تعاون)، وفای به عهد، نگه داشتن حرمت سالخورده‌گان، مراقبت از کودکان، عشق به دین و میهن، سرزنش بدی و شرارت، نکوهش بیدادگری و ستم، مردانگی، ثبات، صمیمیت، ایثار و... نمونه‌هایی از سنت‌های اخلاقی نیکو و حسنه هستند (عابدی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۶). این سنت‌های حسنه در جامعه اسلامی می‌تواند عامل همدلی و یکدستی باشد که ثمره آن، استحکام ساخت درونی قدرت ملی است و در بعد خارجی نیز، جاذبه زیادی برای سایر ملت‌ها فراهم آورد که ضمن الگوگیری از سنت‌های اسلامی در جامعه ایرانی، به مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم

ایران اعتماد نمایند.

ب. کارویژه‌های تربیتی عبادتگاه‌ها و مساجد

یکی از نمادهای شیعه که جزو عناصر فرهنگ سیاسی آن محسوب می‌شود، مساجد است که کانون مبارزه در انقلاب اسلامی بوده و یکی از تجلیات فرهنگ اسلامی محسوب می‌شوند. درباره کارکرد مسجد باید گفت که از همان آغاز، مسجد علاوه بر اینکه به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنین برای ادای فرایض دینی مورد استفاده بود، کانون فعالیت‌های اسلامی نهضت جهانی اسلامی نیز به شمار می‌رفت و در واقع، پایه‌های اساسی حکومت اسلامی در این مکان بنیانگذاری شد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۱). مساجد و عبادتگاه‌ها را به حق می‌توان یکی از مهم‌ترین کانون‌های تربیت دینی و ابزار کارآمد برای تحقق قدرت نرم به شمار آورد. یکی از آثار بی‌شمار اجتماع مؤمنان در مسجد، ارتباط میان کسانی است که تنها به انگیزه امور معنوی و پالایش قلبی در خانه خدا گرد هم جمع شده‌اند. بر این اساس فضای حاکم بر مساجد، مناسب‌ترین فضا برای خودسازی و تقویت بنیه روحی اشخاص می‌باشد؛ این مکان‌های مقدس و الهام بخش که محافل دینی، جلسات قرآنی و هیئت‌های مذهبی در آن شکل گرفته و به فعالیت می‌پردازند، نقش بی‌بدیلی در تحکیم فرهنگ دینی در جامعه دارند و از این رو سرمایه‌گذاری لازم و اهتمام نسبت به جایگاه مسجد چه از سوی مردم و چه از سوی دولت یکی از بایسته‌های تولید قدرت نرم مثبت در جامعه خواهد بود. نهادهای مدنی دینی نظیر روحانیت، هیأت‌های مذهبی، فعالان مساجد و حسینیه‌ها که از متن مردم برخاسته‌اند به خوبی می‌توانند در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی عکس‌العمل نشان داده و از باب امر به معروف و نهی از منکر انجام وظیفه کنند. از سوی دیگر، پایگاه‌های دینی در معنویت‌گرایی مردم نقش بسزایی ایفا می‌کنند که در نتیجه آن افراد کارآمدتر می‌گردند، به نحوی که یک گروه اندک بر یک گروه بزرگ‌تر غالب می‌گردد (جوان آراسته، ۱۳۹۴: ۶۳) و این باور مؤمنان مورد تأیید قرآن گرفته است: «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ» (بقره/۲۴۹) در بند اول سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان تأکید شده است که «معنویت و عبادت رکن اصلی حیات فردی و اجتماعی و عبادتگاه‌ها و مساجد، کانون انسجام بخش آنان بوده است» (سند هویت، ۱۳۸۶: بند ۱).

نقش عبادتگاه‌ها و مساجد در اسلام به دلیل کارکردهای اساسی آن در جامعه اسلامی به نحو چشم‌گیری متمایز از جوامع دیگر می‌باشد. کارکردهای گوناگون مساجد به عنوان جایگاه عبادی، سیاسی و اجتماعی نیز آن را در کانون قدرت دولت اسلامی قرار داده است. این پایگاه عبادی و سیاسی در بازتولید قدرت نرم کارویژه‌هایی نظیر؛ نماد اتحاد و انسجام اسلامی، آموزش و هم‌فکری در مورد مسائل روز جامعه اسلامی، فرماندهی و مدیریت اسلامی، تبیین و گسترش مکتب تشیع و ارزش‌های اسلامی، هدایت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، مرزبانی از حریم معنوی انقلاب اسلامی (ملک زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۸-۱۲۴)

پ. مراسم آئینی

مراسم آئینی، وسیله اجرای آموزه‌ها و دستورهای دینی و مذهبی در هر جامعه‌ای است و از آن جا که این دستورات، اغلب شامل تعالیم اخلاقی و تعدیل‌کننده افراط و تفریط‌های رفتاری برای اعضای یک جامعه است، می‌توان به روشنی به ارتباط مستقیم مراسم آئینی با ارزش‌های اخلاقی پی برد، به طوری که نمونه‌های آرمانی و متعالی اخلاقی افراد یک جامعه در حین برگزاری مراسم آئینی آن‌ها مشاهده می‌شود. از کارکردهای مراسم آئینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گردهم آوردن مردم در فواصل زمانی منظم و حفظ خطوط ارتباط و همکاری آن‌ها، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مراسم آئینی به حساب می‌آید که از طریق یکپارچه سازی جامعه، باعث اعتبار بخشیدن به وضع موجود و در نهایت، ثبات اجتماعی در سطح جامعه می‌شود؛ فراهم آوردن زمینه تقویت و تأیید دوباره پایداری جامعه به یک رشته ارزش‌ها و باورداشت‌های خاص که ممکن است فراموش یا کم رنگ شده باشند؛ ارائه حمایت‌های روانی و کاهش اضطراب، ترس و دلهره در میان اعضای جامعه؛ کاهش کشمکش‌های اجتماعی در بین اعضای جامعه؛ تحکیم نظارت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌ها و تشکل‌های غیر دولتی و گروه‌های نخبگان و آگاهان؛ انتقال غیر مستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر در جریان برگزاری مراسم؛ یکی دیگر از کارکردهای بسیار مهم مراسم آئینی، ایجاد تعادل اخلاقی در سطح جامعه است. به طوری که مشاهده شده است در بعضی از دوره‌ها، بنا به مقتضیات زمانی و شرایط سیاسی، اجتماعی و حتی بحران‌های اقتصادی حاکم بر جوامع، آن دسته از مراسم‌های آئینی که نقش محرک، خنثی سازی و یا تعدیل‌کننده را در آن بحران بازی می‌کرده‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و با شور و هیجان و گستره عمل بیشتری برگزار می‌شده‌اند و حتی گاهی منشأ و محرک دگرگونی‌ها و انقلاب‌های اجتماعی نیز شده‌اند که نمونه بارز آن را می‌توان در نقش عزاداری ماه‌های محرم و صفر در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی ایران و رفع کمبودهای ناشی از شرایط انقلاب، مشاهده نمود (عابدی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۶). در بند چهارم سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان بر «آئین‌ها و رسوم» به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی سرزمین ایران تأکید شده است و هویت مکانی ایران را با «آئین‌ها، رسوم و خرده فرهنگ‌هایی زیبا، عمیق، همسو و هم‌افق در یک سرزمین فرهنگی متحد» (سند هویت، ۱۳۸۶: بند ۴) تشریح می‌نماید. این مراسم آئینی و آئین‌های ملی و دینی، ثبات اجتماعی و وحدت عمومی را تقویت می‌نمایند و به اشاعه جامعه‌ای یکپارچه کمک شایانی می‌نمایند و همین امر، هویت جمعی ایران با وجود تنوع قومی و مذهبی را شکل می‌دهد که می‌تواند برای کشورهای چندپاره به مثابه یک الگوی عملیاتی برای زیست سیاسی و اجتماعی باشد. نمونه‌ای از این مراسم آئینی مربوط به «سالگرد شهادت یا ولادت ائمه معصوم (ع)» (سند هویت، ۱۳۸۶: بند ۲) در سراسر ایران می‌باشد که هر منطقه با توجه به مقتضیات فرهنگی، اقلیمی و ارزشی خود، به پاسداشت آئین‌های دینی و ملی می‌پردازند که تجمیع این مراسم در اقصی نقاط ایران، بازتولید‌کننده قدرت معنوی برای جامعه ایرانی خواهد بود.

ت. اخلاق گرایی

از منظر اسلام، رعایت اخلاق فی نفسه هدف و ادای تکلیف محسوب می‌گردد، نه ابزاری برای رسیدن به هدف. ادای تکلیف، یعنی انجام دادن وظیفه بدون قید و شرط، به گونه‌ای که در آن رضای خداوند باشد. در اسلام سیاست و اخلاق در طول یکدیگرند. اخلاق به سیاست مشروعیت می‌دهد و مهم‌ترین منبع قدرت محسوب می‌گردد، لذا در مقام تراحم بین امر اخلاقی و سیاسی، رعایت اخلاق بر امر سیاسی مقدم می‌گردد (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱- الف: ۱۶۲). پس اخلاق یکی از مؤلفه‌های مهم در گفتمان اسلامی است و آیات قرآن کریم بدان اهتمام زیادی ورزیده است. آثار اخلاق در مبحث قدرت نرم فراوان است؛ اولاً، اخلاق نیکو موجب محبوبیت در قلوب مردم می‌گردد و ثانیاً عامل بهره‌مندی از امدادهای الهی است. امدادهای الهی نیز ایمان و عمل صالح است که در واقع، اخلاق نیکو مشمول عمل صالح می‌باشد. همان‌گونه که برخی افعال نیک برای انسان برکاتی دارد، افعال و رفتار بدسیرت و بی‌اخلاقی‌ها دارای آثار سوء فراوانی برای قدرت ملی است (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۲۲). جمهوری اسلامی ایران با توجه به هویت اسلامی و شیعی خود، ائمه معصومین (ع) را الگوی خود قرار داده و سیره اخلاقی آنها را جزو لاینفک برنامه‌ریزی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود می‌داند. بر خلاف آنچه در رژیم قبلی و یا در کشورهای غربی وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران، رعایت اصول اخلاقی یک ارزش محسوب می‌گردد و در سیاست‌های کلی، بحث تقویت فضائل اخلاقی و ایمان در کنار مؤلفه‌هایی مثل روحیه ایثار و امید به آینده آورد شده است که این امر حکایت از بها دادن به ارزش‌های والای اخلاقی در کنار دیگر امور مثل سیاست و اقتصاد و... دارد (جعفری پناه، ۱۳۹۳). بند دوم سند مؤلفه‌های هویت ملی نیز به موضوع اخلاق اشاره کرده است و براساس این بند، اخلاق یکی از مؤلفه‌های مورد تأیید اسلام است که ایرانیان نیز به آن متصف و متعهد هستند.

ث. ایدئولوژی اسلامی

یکی از بسترهای انتقال پیام‌ها و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران در سایر مناطق، ایدئولوژی مشترک اسلامی است که عامل وحدت بخش همه مسلمین است (جمالزاده، ۱۳۹۱: ۶۹). مذهب با توصیه به فرد در مورد توجه به دیگران و از خودگذشتگی، پیوندهای مورد نیاز سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد و می‌تواند با تحمیل این خواسته به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه معنوی قدرت آفرین به وجود آورد. نکته مهم در مذهب و ایدئولوژی اسلامی، ترویج اعتماد است؛ مذهب، معتقدین را به اعتماد یکدیگر فرا می‌خواند و با ارائه یک جهان بینی، سعی می‌کند محیط دینی را قابل اطمینان معرفی کند (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). اسلام و مذهب شیعه را می‌توان تنها منبع تغذیه انقلاب ایران دانست که به وسیله رهبری حضرت امام خمینی (ره) توانست خشونت را در جریان انقلاب به حداقل برساند و گروه‌های مختلف را زیر چتر اسلام و با شعارهای ساده‌ای مانند استقلال، آزادی و جمهوری

اسلامی متحد نماید (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۳) و قدرت اجتماعی را از طریق اصول و مؤلفه‌های مذهبی تشیع سازماندهی نماید. در بند دوم سند مؤلفه‌های هویتی بیان شده است که «اسلام به عنوان دین رسمی کشور، از مقومات هویت ایرانی است. ایرانیان، آیین اسلام را چون گوهری گرانبه از جان و دل پذیرفتند و با آن در آمیختند. ایرانیان تعالیم قرآن را اخذ و مجدانه در نشر و تنظیم آن کوشیدند» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۱) و «حقیقت اسلام گوهر مشترک ادیان ابراهیمی است، (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۲) در این سند نیز بیش از ۴۰ بار واژه‌های مذهب، اسلام و دین آمده است و همین موضوع، گواهی بر اهمیت ایدئولوژی و مذهب در این سند می‌باشد که ارتباط وثیقی با مؤلفه‌های قدرت ملی دارد. در مقدمه سند مزبور تأکید شده است که ملت ایران «یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر (ص) است». در عین حال، ایدئولوژی اسلامی به علت اشتراک با سایر جوامع اسلامی، عاملی برای همگرایی بین کشورهای اسلامی می‌گردد که ایران می‌تواند با مدیریت روند اتحاد جهان اسلام، کارآمدی و نقش کلیدی خود را به کشورهای منطقه نشان دهد.

ج. ایمان و گرایش به توحید ناب

آثار ایمان در مبحث قدرت نرم فراوان است. ایمان موجب محبوبیت انسان می‌گردد و عامل جذب وی در قلوب انسان‌ها می‌گردد. ایمان شرط اصلی بهره‌مندی از امدادهای الهی است. بایستی بدین نکته اهتمام داشت که سایر انسان‌ها نیز صرف‌نظر از دین و مسلکشان در صورتی که طبق برخی سنن الهی رفتار نمایند، مشمول امدادهای عام الهی می‌گردند و بالاخره این که ایمان موجب افزایش توانمندی و کارآمدی می‌گردد (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۲۱). به عبارتی، ایمان و اعتقاد به توحید (خدا محوری) باعث تقویت قدرت ملی، اعتماد به نفس در جامعه، روحیه اقتدار و شکست‌ناپذیری، آرامش روحی جامعه، خستگی‌ناپذیری ملت، اخلاص در عمل، تعامل بین شهروندان، نگرش حقوق بشری و... در جامعه می‌شود (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱-ب: ۲۳) ایمان و توحیدگرایی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و همان‌گونه که در بند اول سند مؤلفه‌های هویتی ایرانیان آمده است: «دینداری بر محور یکتاپرستی، در ایران سابقه‌ای به درازای تاریخ این سرزمین دارد. ایرانیان باستان، چه در دوران دینی و چه دوره‌ی اساطیری، موحد بوده‌اند و هیچ‌گاه کثرت و تعدد مبدأ آفرینش را نپذیرفته‌اند. در انتقال به دوران اسلامی، با توحید ناب منبعث از وحی خاتم رسل، این ظرفیت، تکامل و ظهور بیش از پیش یافت. در زمانی که، ایرانیان از تعالیم زرتشت فاصله می‌گرفتند و این امکان بود که در اثر دین‌خواهی و روح تعبد و آزادگی‌شان، به سراغ تعالیم مسیحی (در غرب ایران) و بودائی (در قلمرو شرقی ایران) بروند، ندای توحیدی اسلام را با گوش جان شنیدند و به خدمت حقیقت اسلام در آمدند» (سند هویتی، ۱۳۸۶: بند ۱). ایمان و گرایش به پروردگار از مهمترین منابع قدرت نرم در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوده است و ماندگاری و استقامت ایران در برابر تهدیدات، آسیب‌ها و حوادث سهمگین گواهی بر این مدعاست؛ برون رفت از بحران‌های اوایل

انقلاب اسلامی، ایستادگی در برابر هشت سال جنگ تحمیلی مستکبران علیه ایران، مقاومت در برابر چهار دهه فشار اقتصادی تمام عیار و... نمونه‌هایی از این موضوع هستند. اگر گرایش به توحید و پشتکار همراه با ایمان به وعده‌های الهی در جامعه ایرانی رواج نداشت، خیلی از تلاش‌های جمعی برای برون رفت از مصائبی که به لحاظ عقل بشری و مادی قابل حل شدن نبودند نیز انجام نمی‌شد و این پشتکار و تلاش جمعی در برابر هجمه‌های گوناگون صرفاً از ایمان نشأت می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

بررسی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان نشان می‌دهد که عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی زیادی برای جامعه ایرانی وجود دارد که بازتولیدکننده قدرت نرم برای ایران خواهند بود. در میان مؤلفه‌های یافت شده، بیشترین فراوانی و ضریب تأثیر در حوزه دین، معنویت و ارزش‌های اسلامی بوده است. به این معنا که، فرهنگ اسلامی مهم‌ترین منبع فرهنگی قدرت نرم جامعه ایرانی محسوب می‌شود و «روحیه تعبد، معنویت، توحید و معارف قرآن» در این سند، عامل حقیقی جذابیت سایر منابع قدرت ملی می‌باشند زیرا زمینه‌ساز امدادهای الهی خواهند شد و در برابر فرهنگ‌های رقیب و مهاجم از بیشترین استحکام و مانایی برخوردار هستند و در عین حال، قابلیت جذب کنندگی سایر ملت‌ها و فرهنگ‌های دیگر را دارا می‌باشند. برخی از ارزش‌های دینی تأثیرگذار بر قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ایرانیان عبارتند از؛ سنت‌های حسنه و نیکو، کارکردهای تبلیغی، تربیتی و آموزشی عبادتگاه‌ها و مساجد، مراسم آئینی، اخلاق گرایی در جامعه و حاکمیت اصول اخلاقی بر رفتارهای مدنی و سیاسی، ایدئولوژی اسلامی، توحید و گرایش به ایمان در جامعه میان مردم و مسئولین و غیره. در کنار ارزش‌های دینی که برآمده از آموزه‌های اسلام ناب محمدی می‌باشند، ارزش‌های ملی ایرانیان نیز که در ارتباط و پیوند با این ارزش‌های متعالی قرار دارند، در روند تولید قدرت نرم برای ایران مؤثر هستند. خیلی از مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی ایرانیان نیز به دلیل دین‌گرایی مردم ایران، ماهیتی ارزشی و دینی پیدا کرده‌اند و تفکیک آنها بسیار سخت و مشکل می‌باشد. به هر روی، برخی ارزش‌های ملی ایرانیان که زمینه‌ساز قدرت نرم افزاری برای ایران هستند عبارت‌اند از؛ هویت ملی، زبان و خط فارسی، پیشینه تاریخی و تمدنی، میراث فرهنگی و هنری ایرانیان، اسطوره‌ها و مفاخر ملی، مشاهیر و شاعران ایرانی، علم و دانش و غیره. پیوند ارزش‌های ملی و دین باعث شده است که فرهنگ متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی از جذابیت برخوردار باشد و مؤلفه‌هایی نظیر قدرت پاسخگویی به نیازهای روز جامعه جهانی، روحیه صلح‌طلبی، گرایش به جامعه جهانی عادلانه، همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ملل، الهام بخشی و اشاعه ارزش‌های جذاب به جامعه بین الملل و... پاسخ گفته و باعث شده است که فرهنگ به مؤلفه اصلی قدرت نرم ایران در خارج از مرزهای سرزمینی تبدیل شود و در سطح داخلی نیز با ایجاد تعاون و برادری، یکپارچگی ملت و پرهیز از اختلافات قومی، مذهبی و قبیله‌ای (حراست از هویت جمعی) بر استحکام ساخت درونی قدرت ملی می‌افزاید و

نمایی از یک «جامعه فرهنگی متحد و یکپارچه» را به جهانیان نشان می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «چهره‌های قدرت؛ گذار از سخت افزار گرایي به نرم افزار گرایي»، در قدرت نرم. جوزف نای، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر و علی کمالی (۱۳۹۴)، «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، قدرت نرم. سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱۲، ص ۲۷-۹.
- افتخاری، اصغر و محمد جانی پور (۱۳۹۲)، «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال سوم، زمستان، شماره ۹، صص ۴۶-۲۳.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- پوراحمدی، حسین و جعفری پناه، مهدی (۱۳۹۱ الف)، «اخلاق به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی»، علوم سیاسی. سال پانزدهم، بهار، شماره ۵۷، صص ۱۶۵-۱۳۷.
- پوراحمدی، حسین و جعفری پناه، مهدی (۱۳۹۱ ب)، «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، قدرت نرم، سال دوم، تابستان، شماره ۶، صص ۵۲-۹.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی گفتمان نرم و محیط راهبردی متأثر از آن»، راهبرد دفاعی. سال هشتم، بهار، شماره ۲۸، صص ۶۰-۳۳.
- جعفری پناه، مهدی (۱۳۹۳)، قدرت نرم: مبانی و کارکردها در اسلام و جمهوری اسلامی ایران. قم: عصر جوان.
- جعفری، علی اکبر و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم انداز ۱۴۰۴»، پژوهش‌های سیاست اسلامی. سال چهارم، بهار و تابستان، شماره ۹، صص ۷۵-۹۴.
- جمalzاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دوره اول، پائیز، شماره ۴، صص ۸۶-۶۱.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۴)، «بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی»، قدرت نرم. سال پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱۲، صص ۵۱-۳۰.
- حسینی، زهراسادات (۱۳۹۳)، «نقش زبان در تغییر سبک زندگی»، روزنامه ایران. ۳۰ فروردین، شماره ۵۶۲۴.
- درویشی، فرهاد و زهره همتی (۱۳۹۲)، «هویت ایرانی-اسلامی، آماج قدرت نرم آمریکا»،

- مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال دوم، پائیز، شماره ۷، صص ۸۱-۶۱.
- رضاپور، حسین (۱۳۹۴)، قدرت نرم و آینده انقلاب اسلامی ایران (با تأکید بر آموزش عالی). پایان نامه دکترای انقلاب اسلامی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- زارعی، راضیه (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های اندیشه سیاسی اسلام در تولید قدرت نرم»، سیاست متعالیه. دوره سوم، تابستان، شماره ۹، صص ۶۴-۴۱.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، «تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی»، در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران. به کوشش محمود عسگری، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- شعبانی، رمضان (۱۳۹۲)، «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، قدرت نرم. سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۹، صص ۹۸-۷۹.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شورای فرهنگ عمومی کشور (۱۳۸۶)، سند مؤلفه‌های هویت ملی.
- صبوری، ضیاءالدین (۱۳۸۷)، «فرهنگ، جهانی شدن و قدرت نرم»، نگاه حوزه. آبان، شماره ۲۴۳.
- عابدی، حمید (۱۳۸۵)، «رسوم آیینی و ارزش‌های اخلاقی»، حدیث زندگی. سال ششم، خرداد و تیر، شماره ۲۹، صص ۲۹-۲۶.
- عسگری، محمود (۱۳۸۹)، «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، راهبرد دفاعی. سال هشتم، بهار، شماره ۲۸، صص ۸۶-۶۱.
- عسگری، محمود (۱۳۹۰)، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- عیوضی، محمد رحیم و اعظم امامی (۱۳۹۰)، «فرآیند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، قدرت نرم. سال اول، پائیز، پیش شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۰۵.
- فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲)، تأثیر فرهنگ بر فرآیند توسعه در ایران. پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان. ۱۴ مرداد.
- قدسی، امیر (۱۳۸۹)، «جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال هشتم، پائیز، شماره ۳۰، صص ۱۵۶-۱۳۱.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴ الف)، «مؤلفه‌های الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ مطالعه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دوره پنجم، پائیز، شماره ۱۶، صص ۱۱۶-۸۵.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴ ب)، «مداقه‌ای در منابع، ابزار، ابعاد و تهدیدات قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی. سال بیست و سوم، بهار، شماره ۹۰، صص ۵۶-۹.

- قربی، سیدمحمدجواد و علی اکبر جعفری (۱۳۹۳)، «برجستگی منابع قدرت نرم ایران مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۱۰، صص ۴۴-۷.
- قربی، سیدمحمدجواد و علی اکبر جعفری (۱۳۹۵)، «منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام؛ موردکاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد فرهنگی-اجتماعی. سال پنجم، تابستان، شماره ۱۹، صص ۴۴-۷.
- کاوسی، مریم (۱۳۹۴)، میراث روایی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- لنون، الکساندر (۱۳۸۹)، کاربرد قدرت نرم. ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- الماسی، حسین (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های قدرت نرم در سیره پیامبر اکرم (ص). پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- محسنی، هدی و فریبا محسنی (۱۳۹۴)، «تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت در دانشگاه اسلامی. دوره چهارم، بهار و تابستان، شماره ۹، صص ۹۷-۱۱۶.
- مرتضوی، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۴)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی. سال چهارم، پائیز، شماره ۱۴، صص ۱۳۷-۱۰۹.
- مرکز مطالعات راهبردی (۱۳۹۴)، نفوذ و تربیت. تهران: معاونت پژوهش و نشر مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی.
- مسعودنیا، حسین و دیگران (۱۳۹۳)، «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی بسیج. سال هفدهم، تابستان، شماره ۶۳، صص ۵۱-۲۱.
- ملک زاده، محمد (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های دینی و ملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، علوم سیاسی. سال هفدهم، زمستان، شماره ۶۸، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف و دیگران (۱۳۸۹)، فرسایش قدرت نرم؛ مردم، دولت‌ها و اعتماد. ترجمه سعید میرترابی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نیکروش، ملیحه (۱۳۹۲)، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مازندران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- ووینگ، الکساندر (۱۳۸۸)، «کارکرد قدرت نرم»، ترجمه مهرداد مرادی، سیاست راهبردی. سال اول، پائیز، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۲۹.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم

جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات فرهنگی. دوره سوم، بهار، شماره ۹، صص ۱۸۰-۱۵۱.

- Nye, Joseph. (2002). *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone*. New York: Oxford University Press.
- Nye, Joseph. (2004). *The Benefits of Soft Power*. Boston: Harvard Business School Working Knowledge.

۶۴

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

سال ششم شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵